

خدا چون سلام به روی ماهت...

## بدببیری‌های مکس کرامبلی قهرمانی در کمد



ناشر خلیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



بدیاری‌های

# گرامس

قهرمانی در کمند

ریچل رنی راسل  
امیر حسین دانشور کیان

سرشناسه: راسل، ریچل رنی، ۱۹۶۱- م.

Russell, Rachel Renee

عنوان و نام پدیدآور: بدبیری‌های مکس کرامبلی: قهرمانی در کمد / ریچل رنی، راسل؛ مترجم امیرحسین دانشورگیان

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۳۱۰ ص، مصور ۱۴/۵×۲۱/۵ سی.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۰۵۸۱-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Locker hero, 2016

یادداشت: گروه سنی: خ.

موضوع: داستان‌های فکاهی مصور

موضوع: comic books, Strips, etc

موضوع: مدرسه‌ها - داستان

موضوع: school - Fiction

موضوع: داستان‌های طنزآمیز انگلیسی

موضوع: Humorous stories, English

شناسه‌ی افزودن: دانشورگیان، امیرحسین، ۱۳۷۱- م.

رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۶ ب۱۱۱/۵۲۱۴۱۰۱

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۰۲۵۲۵



انتشارات پرتقال

## بدبیری‌های مکس کرامبلی: قهرمانی در کمد

نویسنده: ریچل رنی راسل

مترجم: امیرحسین دانشورگیان

ویراستار: سیده سودابه احمدی

مدیر هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سحر بنی‌هاشمی - سحر احدی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امین نصر

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۰۵۸۱-۱

نوبت چاپ: اول - ۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: پروین

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان



۲۰۰۰۴۳۵۴۴



+۹۱- ۶۲۵۴۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



## بدببیری‌های مکس کرامبلی

(نکته‌های مهمی که لازمه موقع ناپدید شدن مرموز من بدونین!)

۱. زندگی مخفیانه‌ی یک ابرقهرمان فلان

۲. اگه یه جنازه توی کمدم بود، احتمالاً خودمم!

۳. دارث ویدر شد بابام!

۴. یکی یه پوشک به من بده! زود باشین!

۵. چرا انگشت‌های پام رو کردم تو کاسه‌ی پاپ‌کورن خواهرم

۶. آره، بتمن کوچولو داداش کوچیکمه!

۷. می‌خورم آب آلوی بخارا من، از یه لیوان قرمز پلاستیکی خفن

۸. تهوع صدام کنین!

۹. اتفافی شلوارم رو پاره کردم و زانوم رو داغون کردم و اعتماد

به نفسم رو هم دود کردم فرستادم هوا! اما چطوری؟

۱۰. مامان بزرگ دندون‌های مصنوعیش رو قورت می‌ده و

می‌میره! (دوباره.)

۱۱. هشدار! مراقب خون‌آشام ترسناکِ کُمدی باشید!

۱۲. آغاز اسارت!؟

۱۳. کمک! الانه که بالا بیارم!

۱۴. سلطان سنگ‌های پاکیزه!؟

۱۵. هذیان‌های یک دیوانه‌ی کُمدی

۱۶. کی گفته زامبی‌ها رپ بلد نیستن!؟

۱۷. فقط با لگد!

۱۸. رفتم به اعماق تیره و تاریک من کجام!؟

۱۹. سلطان هزارتو

۲۰. یعنی واقعاً تو زندان پیتزای گوشت هیولا سرو می‌کنن؟

۲۱. اگه زنده برسم خونه، بابام می‌کشتم!

۲۲. این طوری شد که «سیندرلا» کفش بلوری کتونیش رو گم کرد؟

۲۳. حمله‌ی توالت آدم‌کش

۲۴. بدشانس، کثیف و بوگندو

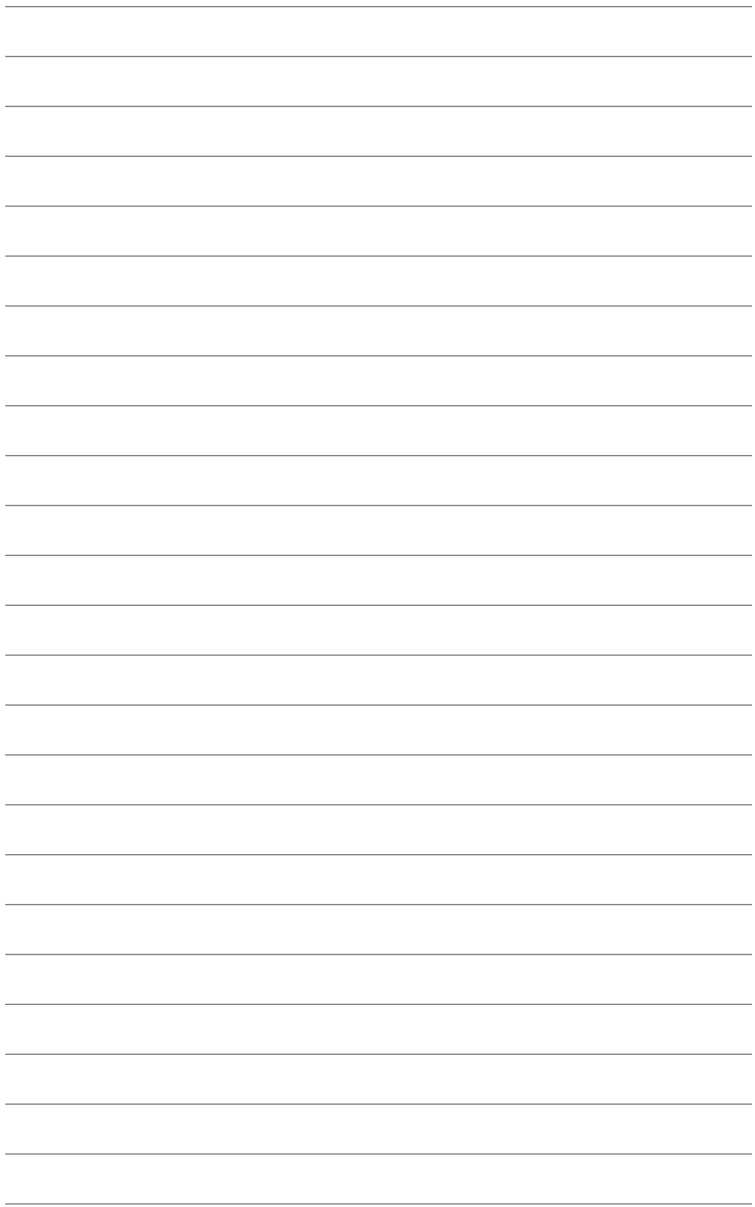
۲۵. چرا یه پسر می‌ره وسط رختکن دخترها؟

۲۶. بدترین. زنگ. تاریخ!

۲۷. یه تخته‌م کمه؟! واقعاً؟!

۲۸. این طوری شد که اون کاغذ کذایی رو پیدا کردم

۲۹. بدبیاری خجالت‌آور مکس کرامبلی!

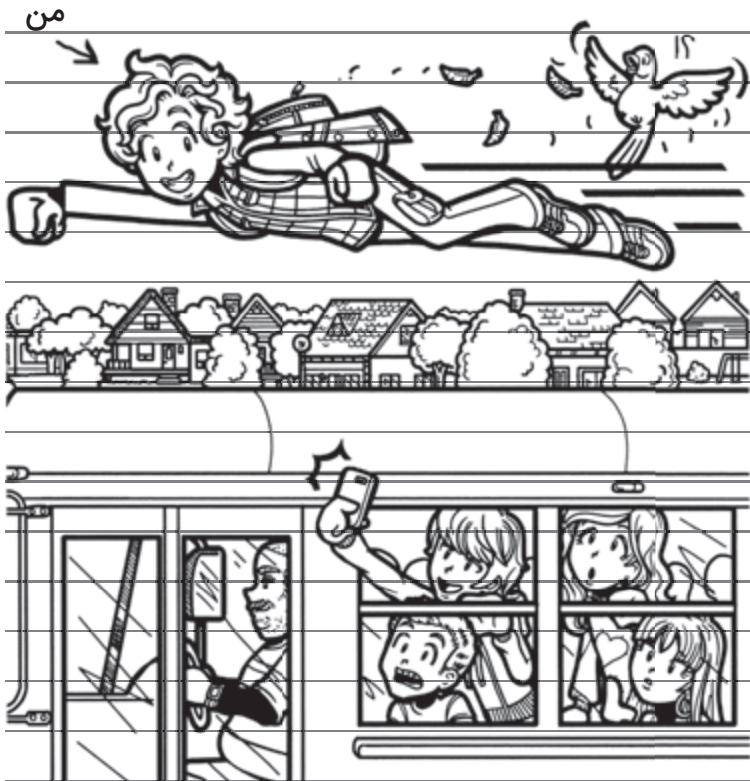




# ۱. زندگی مخفیانه‌ی یک ابرقهرمان فلان

آگه یه نیروی ماورایی، چیزی داشتم، شاید دیگه مدرسه رفتن  
این قدر مزخرف نبود.

اون جور دیگه هیچ وقت از اتوبوس مسخره‌ی مدرسه مون جا  
نمی‌موندم، چون می‌تونستم پرواز کنم سمت مدرسه...



عالی می‌شد، مگه نه؟ تازه این جوئی خفن‌ترین بچه‌ی مدرسه  
هم می‌شدم!

ولی بذارین یه چیزی رو بهتون بگم. کثیف‌کاری پرنده اصلاً  
خفن نیست. فقط... حال بهم‌زنه!



تلویزیون، کمیک‌بوک‌ها و فیلم‌ها یه جوئی قضیه رو نشون  
می‌دن که آدم فکر می‌کنه ابرقهرمان بودن خیلی کار آسونیه. ولی  
اصلاً این طوری نیست! اصلاً جوئی که راه افتاده رو باور نکنین.